به بهانه اظهارنظر مهم عطاءالله مهاجرانی، آغاز و فرجام کانون نویسندگان را بررسی کردیم

به‌نام خدا؛ کانون نویسندگان چگونه تمام شد؟

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

به نام خدا؛ به زبان آوردن یا زبرقلم لغزاندن همین عبارت چند کلمه‌ای، برای عده‌ای که شهرت و اعتبار یا در بعضی موارد حتی حرفه‌شان، مهندسی کلمات است، چرا می‌تواند سخت و تردیدساز و چالش‌برانگیز باشد؟ به کار نبردن نام خدا به‌عنوان مطلع یک بیانیه یا اساسنامه، در محفلی که می‌خواهد از وزارت فرهنگ و ارشاد (اسلامی) در جمهوری (اسلامی) ایران مجوز فعالیت بگیرد، آیا می‌تواند تنظیم و تنفیذ کنندگان آن متن را از ذیل نام خداوند خارج کند؟ درحالی که مجوز رسمی برای فعالیت آن صنف یا محفل با انجمن، قرار است به طریق اولی در منظومه نظامی رسمیت پیدا کند که قانون اساسی آن با عبارت «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» شروع می‌شود. قضیه این است که چند روز پیش عطاءالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت سیدمحمد خاتمی بین ۲۹ مرداد ۱۳۷۶ تا ۲۴ آذر ۱۳۷۹، در شبکه اجتماعی توئیتر نوشت: «کانون نویسندگان ایران درصدد کسب مجوز بود. به جمع پنج‌نفره‌ای از کانون که به دفترم آمده بودند، گفتم زودتر اساسنامه‌تان را بیاورید! گلشیری گفت دوسال بحث شده که اساسنامه با نام خدا شروع شود یا نشود! به نتیجه نرسیده بودند و نرسیدند. دیدم در اصلاح قانون اساسی روسیه نام خدا آمده!»

تنها کسی که از میان اعضای کانون نویسندگان به این نوشته واکنش نشان داد، فرج سرکوهی بود. او مدتی بسیار تندی نوشت که بخش عمده آن مناسب انتشار مجدد در این گزارش نیست. با این‌حال سرکوهی ضمن دروغگو خواندن عطاءالله مهاجرانی چنین نوشت که: «آقای مهاجرانی از دو سال بحث درباره نوشتن نام خدا در اساسنامه کانون نوشته است که هم دروغ است و هم نشانه بی‌اطلاعی او از سندهای کانون. منشور، اساسی‌ترین سند کانون و بیان‌کننده خواست‌ها و هویت آن است و اساسنامه، که او نوشته، سندی است درباره چگونگی ساختار کانون، معیارهای عضویت، قواعد تشکیل مجمع عمومی و... برخلاف دروغ مضحکی که مهاجرانی به نقل از هوشنگ گلشیری جعل کرده است، در هیچ‌یک از جلسه‌های بحث درباره منشور و اساسنامه، در دهه چهل تاکنون، حتی یک کلمه درباره نوشتن یا ننوشتن «نام خدا» یا مشابه آن، در منشور و اساسنامه کانون گفته نشده و این بحث، هرگز، حتی یک‌بار، درباره منشور و اساسنامه، دو سند اصلی کانون، مطرح نبوده است. زمانی که در ایران نبودم، گویا فقط یک‌بار، آن هم فقط در یک جلسه، آن هم فقط درباره یک «بیانیه» (نه اساسنامه و نه دو سال که می‌خواهد به دروغ نوشته است.) این بحث طرح شده است. بیانیه‌های کانون به مناسبت‌های گوناگون منتشر می‌شوند. «سرکوهی در ادامه به‌رغم صحبت‌های عیانی که از زبان اعضای مختلف کانون راجع‌به تلاش آنها برای اخذ مجوز بیان شده، می‌نویسد: «کانون نویسندگان را نیازی به «مجوز قانونی» حکومت جمهوری اسلامی نیست اما حتی اگر از چنین می‌بود، کانون براساس قوانین باید در وزارت کار و وزارت کشور ثبت می‌شد نه در وزارت سانسور و ارشاد اسلامی که او وزیرش بود.» در پیوست این گزارش، مصاحبه‌ای از روزنامه «فرهیختگان» با فرانه طاهری آورده شده که اصل چنین مذاکراتی از طرف کانون نویسندگان با وزارت ارشاد و شخص مهاجرانی برای اخذ مجوز رسمی در جمهوری اسلامی را تایید می‌کند. این درحالی است که فرج سرکوهی خودش یکی از مذاکره‌کنندگان در این خصوص بود. به‌علاوه، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۷۸، کانون نویسندگان ایران بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن به استیضاح عطاءالله مهاجرانی توسط مجلس پنجم اعتراض شده بود.

سرکوهی در انتهای متن پاسخش به وزیر اسبق ارشاد، دلیل بیان این صحبت‌ها از جانب مهاجرانی را تلاش برای هموار کردن مسیر صدور مجوز قتل اعضای کانون، به جرم ارتداد دانست؛ «جمله پایانی توئیت او (مهاجرانی) هیچ نیست مگر پرونده‌سازی برای اعضای کانون. در موج جدید بازداشت و سرکوب اعضای کانون نویسندگان و همزبان و همزمان با دادستانی و روزنامه کیهان تهران و... با اتک «خدانایاور»، مرتد به میدان آمده است و حکم مرتد در اسلام عزیز روشن است.»

گذشته از ضعیف بودن استدلالی که سرکوهی برای نیت‌خوانی از مهاجرانی مطرح کرد و اینکه حتی هیچ‌کس از دشمنان جمهوری اسلامی نمی‌تواند انگیزه‌ای را توسط این سیستم برای قتل عده‌ای از افراد عمدتا فراموش‌شده و بی‌اثر متصور باشد، عبارت «اسلام عزیز» چنان در نوشته او به کار رفته است که از آن زهر کنایه می‌ریزد و مضمون حرفی که مهاجرانی زده را بیشتر قابل‌باور می‌کند. یک منبع نزدیک به هوشنگ گلشیری که اجازه نداد نامش فاش شود، به «فرهیختگان» گفت این قضیه را از خود هوشنگ گلشیری هم شنیده است. این منبع البته می‌گوید که در جریان مذاکرات کانون نویسندگان با وزارت ارشاد نبوده و آنچه می‌گوید همان چیزی است که از زبان گلشیری شنیده است. امید حلاّی، شاعر خوزستانی هم در واکنش به گفته مهاجرانی در توئیتر نوشت: «سال آخر عمر استاد گلشیری در اهواز خدمت‌شان بودیم. همین ماجرا را روایت کردند برای ما و عده‌ای از دوستان جوان نویسنده. هوشنگ گلشیری در عین آرمان‌باوری، واقع‌گرا بود و به نویسندگی به‌عنوان یک حرفه پایبند بود و اعتقادش به داشتن تشکلی مثل کانون از روی همان‌روزطلبی سیاسی نبود.»

به‌هرحال، به فرض اینکه روزنامه «فرهیختگان» اجازه داشت نام منبع خود در این خصوص را منتشر کند، باز هم فرج سرکوهی می‌توانست آن را مثل حرف‌های مهاجرانی تکذیب کند و خب به اصطلاح علمای منطق، گزاره سلبی قابل‌توجهی هم ندارد که این نفی قاطع را به اثبات برساند. بهتر است برای فراهم کردن امکان قضاوت در این خصوص، بحث به ریشه‌های موضوع کشیده شود.

آیا اساسا کانون نویسندگان بر سر به کار بردن نام خدا هیچ چالش و تردید و مشکلی نداشت؟ حتی اگر از بحث اساسنامه‌ای که تا امروز می‌توان سریال تاکید و تکذیب‌ها را جیب‌به‌جیب گزاره «به نام خدا» را درخصوص آن ادامه داد، صرف‌نظر کنیم، بعید است خود فرج سرکوهی هم به چنین پرسشی جواب منفی بدهد؛ بله! کانون نویسندگان در به کار بردن نام خدا و التزام به «اسلام عزیز» یا هر دین آسمانی دیگری به‌طور اساسی چالش داشت. بسیاری از اعضای برجسته این محفل در دوره‌های مختلف به‌طور مستقل آثاری خلق کرده‌اند که علنا نیز مذهبی دارد و از همین رو باید حساب ماهیت افراد را از ماهیت کلی این کانون ادبی جدا کرد.

آنچه در این بحث اهمیت پیدا می‌کند، روند و سرنوشت جریان روشنفکری عرفی در ایران است. کانون نویسندگان، یکی از اصلی‌ترین نمادها و نمودهای جریان روشنفکری عرفی یا به تعبیری لائیک در ایران بود و اگر تردید بر سر به کار بردن نام خدا در اساسنامه این محفل را زیرسوال ببریم، وجود عنصر هویت‌بخش لائیسیته را در آن زیرسوال برده‌ایم.

عنصر هویت‌بخش به کانون نویسندگان، عرفی‌گرایی آن است وگرنه مواضع چپ آن به مرور زمان به سمت لیبرالیسم گردش کرد و همان‌ها که دشمن سرسخت دولت کودتامدت و موقت مهندس بازرگان، به دلیل گرایش‌های لیبرال‌ش بودند تا خود لیبرالیسم پیش رفتند و تنها چیزی که خط‌قرمز نامزنی‌شان باقی ماند، مذهب بود و این درونمایه به جز حمایت از بهائیت که در توجیه آن هم از گزاره‌ای لیبرال استفاده شد، به چشم می‌خورد. (کانون از بهاییان دفاع کرده و می‌کند، نه برای دفاع از مذهب بهائیت، بلکه به این دلیل که حق داشتن مذهبی متفاوت با مذهب حاکم را برای بهاییان به رسمیت می‌شناسد. «محسن حکیمی/ گفت‌وگو با رادیو زمانه/ دوم دی ماه ۱۳۹۶») همین بحث‌های اعتقادی و سیاسی باعث شد بسیاری از اعضای کانون دست‌ودسته‌ی با دادنامه از قطار آن پیاده یا اخراج شوند. شرایط زمانه در بعضی از مقاطع تاریخی، کار کانون نویسندگان را برای تاکید روی مسائل مذهب‌ستیزانه مشکل می‌کرد، اما در همان مقاطع هم می‌شد از لابه‌لای سطور و کلمات، آشتی‌ناپذیری جریان روشنفکری عرفی با مذهب ایرانیان را خواند.

داستان ۳ پرده‌ای کانون نویسندگان با پایان‌باز

ابلاغ لایحه سانسور به ناشران توسط دولت هویدا در سال ۱۳۴۵، بعضی از چاپخانه‌ها را تعطیل کرد و کارگران بیکار شدند و تنگناهایی برای نویسندگان مستقل به وجود آورد. همین شد که عده‌ای از نویسندگان آن دوره، یعنی جلال آل‌احمد، احمد شاملو، درویش (شریعت)، غلامحسین ساعدی، طاهباز، یدالله رویایی و براهنی در جلسه‌ای با هویدا، اعتراض‌شان را به اطلاع او رساندند. در آن جلسه بنا شد ساعدی از طرف این جمع مسائل را دنبال کند ولی پیگیری‌های او هم به جایی راه نبرد.

موازی با ابلاغ سانسورهای هویدا، فرج پهلوی در سال ۱۳۴۶، از طرح برگزاری کنگره جهانی نویسندگان در ایران رونمایی کرد و نویسندگان معروفی مثل آرتور میلر، نوّام چامسکی، ژان پل سارتر و آندره مالرو از مدعوان این کنگره بودند. حکومت پهلوی در تلاش بود با خاموش کردن صدای روشنفکران آن دوره، یک جریان دست‌آموز روشنفکری را جایگزین کند تا در چشم جهانیان جلوه مدرن خود را هم حفظ کرده باشد. حتی سیمین بهبهانی به‌عنوان «مسئول کمیته شعر و شاعران» این اتحادیه منصوب و در محل این ساختمان مستقر شده و منتظر ختم کنگره و آغاز فعالیت علنی و رسمی آن بود. جلال آل‌احمد و تعدادی دیگر از نویسندگان از مخالفان این طرح بودند و در جلساتی که با جمعی از نویسندگان تشکیل شد، در اسفند ۱۳۴۶، «اعلامیه تحریم» را با امضای ۵۲ نفر از نویسندگان به چاپ رساندند. در پی این تحریم، دربار کنگره را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخت. جلسه بعدی جمع تحریمی‌ها ۱۷ اسفند ۱۳۴۶ در خانه جلال آل‌احمد و سیمین دانشور تشکیل شد و آل‌احمد پیشنهاد تشکیل انجمنی از اهل قلم را داد. علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی و نادر نادرپور، مامور نوشتن اساسنامه شدند و نام کانون را پیشنهاد دادند. متنی که به‌عنوان اساسنامه کانون تهیه شده بود، در جلسه ۱۳۴۷/۱/۱۵ در منزل جلال آل‌احمد مورد مخالفت بدآئین و میدانش (که توده‌ای بودند) قرار گرفت و آل‌احمد از او خواست تا خودش متنی تهیه کند. این متن در روز اول اردیبهشت ۱۳۴۷ به امضای ۴۹ نفر که از اعضای هیات‌موسس کانون نویسندگان ایران تلقی می‌شوند، رسید. این بیانیه با عنوان «درباره یک ضرورت» شهرت یافت و شروع کار رسمی کانون نویسندگان بود.

با توجه به شروع فعالیت‌های مسلحانه فدشاه و سوءظن بیشتر رژیم به مخالفان و قبل از آن، تهدید و اختلافات درونی کانون و مرگ ناگهانی جلال آل‌احمد در شهریور ۱۳۴۹، کانون بعد از دو سال و نیم فعالیت در سال ۱۳۴۹ دچار فروپاشی شد.

دوره دوم فعالیت کانون بین سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ بود. با تنوره گرفتن شعله‌های انقلاب در ایران، اعضای کانون هم باز گرد هم آمدند و فعالیت جدیدی را آغاز کردند. قالب کار کانون در این دوره قانونی بود و آنها در بیانیه‌های خود دائما به قانون اساسی استناد می‌کردند ولی با اوج‌گیری قیام مردم در سال ۱۳۵۷ کانون‌ها هم کم‌کم لحن تندتری به گفتارهایشان دادند. در مهرماه ۱۳۵۶ اعضای کانون نویسندگان به مدت ۱۰ شب در تهران با همکاری خانه فرهنگی آلمان، شب‌های شعر استینتو گوته را به راه انداختند که این اقدام فرهنگی سیاسی با حضور حدود ده‌هزار نفری مردم همراه بود. شب‌های گوته هنوز مهم‌ترین اقدام کانون نویسندگان در تاریخ آن است. از سال ۱۳۵۸ به این طرف، اتفاقاتی درون کانون نویسندگان رقم خورد که بی‌شباهت به تصفیه‌های درون‌سازمانی مجاهدین خلق، در دوره قبل از پیروزی انقلاب و حذف جریان‌های اسلام‌گرا از این سازمان نبود.

در این زمان به این دلیل که توده‌ای‌ها و اعضای آن خود را طرفدار نظام جمهوری اسلامی و خط امام معرفی می‌کردند، اعضای توده‌ای کانون (بدآئین، سیاوش کسرایی، هوشنگ ایتهاج، فریدون تنکابنی و محمدتقی برومند)، با تصمیم مجمع عمومی کانون در ۱۱ دی ۱۳۵۸ اخراج شدند و عده‌ای از طرفداران آن‌ان نیز از کانون استعفا دادند و شورای نویسندگان ایران را تشکیل دادند که شروع به تبلیغات ضدکانون کرد. این تصمیم توسط هیات‌دیران کانون نویسندگان ایران که عبارت بودند از باقر پرهام، احمد شاملو، محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و اسماعیل خویی گرفته شد. در همین مقطع از عمر کانون بود که افرادی مثل بهرام بیضایی و بهزاد فراهانی، با سابقه تئاتری و سینمایی، در اعتراض به عمل‌ها و موجودها از آنجا خارج شدند. اسماعیل نوری‌علا، یکی از اعضای کانون، درباره غفارحسینی، یکی دیگر از روشنفکران جریان لائیک در کانون نویسندگان چنین می‌گوید: «۱۵۰ خرداد هم که از راه رسید من بعد تازه‌ای را در او کشف کردم. از... و مذهب نفرت داشت...»

چنانکه می‌بینیم، جریان لائیک روشنفکری که سال‌ها به‌رغم حمایت ابرقدرت بلوک شرق، در جذب عموم مردم ایران ناکام مانده بود، از ابتدا هم با جنبش اسلامی مردم ایران به دلیل ماهیت دینی‌اش همدل نبود و چنین نیست که مطابق بعضی درام‌پردازی‌ها، ایران گروه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متوجه شده باشند که نظام جدید هم با آنها ناهمساز است. در اردیبهشت ۱۳۶۰ محل کانون در خیابان مشتاق تهران به تصرف مردم و نیروهای انقلابی درآمد و در تیرماه همان سال به حکم قانون تعطیل و از فعالیت آن جلوگیری شد.

دوره سوم فعالیت کانون نویسندگان از ۱۳۶۹ آغاز شد و تاکنون ادامه داشته است. طی تمام این مدت کانون نویسندگان تلاش‌های مستمر و مرتبا رو به افولی برای زنده‌نمایی از خود داشته است.

سال ۱۳۶۹ به‌دنبال زلزله مهیب رودبار ۳۷ نفر از اعضای کانون نویسندگان گرد هم آمدند و با انتشار بیانیه‌ای از بقیه نویسندگان یاری خواستند تا شب شعری به‌نفع مردم زلزله‌زده برپا شود. از این پس اعضای کانون تصمیم به تجدید فعالیت آن گرفتند و جلسات متعددی همچون ۱۷ تیر ۱۳۶۹ و دوم اسفند ۱۳۶۹ برگزار شد که هیچ‌کدام توفیقی نیافت. از آن پس جلسات کانونی‌ها پیرامون حوادث مختلفی برگزار می‌شد.

در ۲۲ مهر ۱۳۷۳ متن موسوم به «ما نویسنده‌ایم» با ۱۳۴ امضا منتشر شد که آن‌هم راه به جایی برای احیای کانون نبرد؛ اما در فضای بسته دولت سازندگی، ندایی بود که از زاویه‌دل خیلی‌های دیگر هم برمی‌خاست و به همین علت شنیده شد. این متن را عده‌ای از کسانی به کسی پیش از آن از کانون بیرون رفته بودند هم امضا کردند. در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ با برخی از حوادث امنیتی دوباره نام کانون بر سر زبان‌ها افتاد.

پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و حمایت کانون از اقدامات دولت اصلاحات، اعضای برجسته کانون به فکر اقدام جدی و جدیدی برای فعالیت دوباره افتادند. در ۱۳ اسفند ۱۳۷۷ نشست عمومی کانون نویسندگان برگزار شد و سیمین بهبهانی، علی اشرف‌درویشان، کردوانی، شیرین عبادی و هوشنگ گلشیری به‌عنوان اعضای هیات دبیران انتخاب شدند. در ۱۹ مرداد ۱۳۷۸ هیات‌دیران موقت کانون، پیش‌نویس اساسنامه قانونی را در ۱۵ صفحه تصویب کرد. چنانکه می‌دانیم، این پرده از درام کانون نویسندگان، حتی با پیر شدن و مرگ بسیاری از بازیگرانش، هنوز به اتمام نرسیده است. کانون از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ نتوانست مجمع عمومی سالانه خود را تشکیل دهد و در هشتم شهریور ۱۳۹۳ به‌رغم منع قانونی تشکیل جلسه داد و هیچ تاثیر خاصی بر فضای فکری، فرهنگی یا سیاسی کشور به‌جا نگذاشت.

کانون نویسندگان طی این سال‌ها بیشتر به صدور بیانیه و فعالیت‌های غیرصنفی و غیرادبی اشتغال داشته است و به‌عنوان مثال در سال‌های اخیر اعدام تروریستی همچون عبدالمالک ریگی را محکوم کرده یا به برخورد با سازمان منافقین در عراق، اعتراض کرده است.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با فرزانه طاهری، همسر هوشنگ گلشیری:

برای تشکیل جلسات کانون، از مهاجرانی مجوز گرفتیم

فرزانه طاهری، نویسنده و مترجم ایرانی و همچنین همسر هوشنگ گلشیری است که از سال ۱۳۷۹ ویس‌آ مرگ همسرش، بنیاد هوشنگ گلشیری را تاسیس کرد. او در کانون نویسندگان هم عضویت داشت و در زمانی که عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد بود، خیلی از حوادث کانون را از نزدیک مشاهده کرد. درخصوص اظهارنظری که عطاءالله مهاجرانی درباره نگارش اساسنامه کانون نویسندگان کرده و نقل قولش از مرحوم هوشنگ گلشیری، از طاهری پرسیدیم؛ اما او بدون رد ادعای مهاجرانی، اعلام کرد عضو هیات‌دبیران کانون نبوده است. بدون شک طاهری از این حق برخوردار است که از ایجاد حاشیه‌برای خودش پرهیز کند و نخواهد به این سوال جواب بدهد؛ اما گفت‌وگو را با ادامه دادیم و به چند نکته جالب رسیدیم. در صحبت‌های طاهری حتی به این هم اشاره شد که کانون نویسندگان برای برگزاری جلساتش مجوزی با دستخط وزیر ارشاد وقت دریافت کرده بوده است.

***

درخصوص توئیت مهاجرانی راجع‌به اختلاف بین اعضای کانون نویسندگان ایران بر سر گذاشتن یا نگذاشتن عبارت «به نام خدا» بر صدر اساسنامه کانون، که از قول همسرتان بیان شد، ارزیابی شما چیست؟ اصولا کانون برای گرفتن مجوز رسمی فعالیت اقدام کرده بود؟

خیلی در جریان دقیق ماجرا نیستم ولی اینقدر یادم هست که در جریان وقایع دهه هفتاد، مجوزی برای مجمع عمومی در خانه خانم بهبهانی دادند که البته حتی در روز تعطیل هم بود، این را به خاطر دارم.

خودشان یعنی مهاجرانی؟

بله، شخص آقای مهاجرانی بودند. این جلسه را در جریان بودم ولی جزئیات درباره اساسنامه و اینکه چه مذاکراتی بین آنها شده را اطلاع ندارم.

مجوزی که اشاره می‌کنید مهاجرانی داده است برای چه نوع فعالیتی بود؟

مجوز نوشت که اجازه دادیم این جلسه تشکیل شود. بعد از آن اتفاقات بود که قرار بود مجمع عمومی تشکیل شود و تماس گرفتند و به گلشیری گفتند این کار را انجام ندهید. گلشیری هم با مهاجرانی تماس گرفت که تعدادی از دوستان ما آسیب دیده‌اند و قرار است ما در خانه شخصی فردی جمع شویم. ایشان هم نامه‌ای نوشت و داد که این جلسه با آگاهی و اطلاع ما در آن خانه برگزار می‌شود. با مجوزی که آقای مهاجرانی روز پنجشنبه که وزارتخانه تعطیل بود صادر کرد، ما جلسه را برگزار کردیم. گلشیری این مجوز را رفت و گرفت و من هم راننده بودم. آقای کردوانی که در آلمان هستند، آن زمان در جریان گرفتن این نامه بودند ولی درباره اساسنامه و افرادی که دانم آقای مهاجرانی چه دوره‌ای را بیان کردند که گلشیری گفته این بحث‌ها بوده است.

اساسا تردیدی در این مسائل وجود داشت؟ دودستگی وجود داشت؟

درباره هرکلمه‌ای ممکن بود بحث شود ولی این جزئیاتی که ایشان نوشته را در جریان نیستم.

جو کانون اقتضا می‌کرد چنین سخنی را درباره‌اش باور کنیم؟

به این مسائل مربوط نبود. مساله کانون آزادی بود. آدم‌هایی با باورهای بسیار متفاوت در آنجا حول هدف مشترک جمع می‌شدند. اینها مسائل جنبی است. قرار نبود هرکسی که آنجا هست از یک نحله فکری باشد یا یک موضع سیاسی واحدی داشته باشد یا فلسفه واحدی را پیروی کند. تنها وجه‌مشترک این حرکت عمدتا صنفی است.

حول ادبیات چپ و...؟

دست کم در دوره‌ای که من حضور داشتم اگر بیانیه‌ها را جست‌وجو کنید، وظیفه کانون نویسندگان در مقوله آزادی بیان و قلم عنوان شده و اینکه بعد از آن چه شده، من نبودم و نمی‌توانم توضیحی دهم.

ادبیات چپ در آن زمان محور نبوده است؟

اگر منظور شما از چپ، ادبیات مارکسیستی است، خیر.

اینکه می‌خواستند اساسنامه‌ای تنظیم کنند، بعد از این داستان بود؟

خیر. این اساسنامه برای قدیم است. برای زمانی است که در هیات‌دیران بحث‌هایی درباره تبت‌شدن کانون بود. این مجوزی که بنده می‌گویم، بعد از دهه ۷۰ بود یعنی اواخر زندگی گلشیری است.

غیر از آنچه بین مهاجرانی و گلشیری گذشت، بین خود اعضای انجمن این بحث بیان نشده است؟

من چنین مطلبی را به یاد ندارم چون در هیات‌دیران نبودم و آنها در هیات‌دیران این بحث‌ها را می‌کردند. من در جلسات عمومی بودم.

کسی را می‌شناسید که مطلع باشد تا این ماجرای اساسنامه کانون را رد یا تایید کند؟

بایدند رم بیانیه کانون در چه زمانی منظور بوده است. آقای مهاجرانی از اساسنامه اسم می‌برد، من درباره اساسنامه تازه‌ای که خودم و گلشیری بودیم، چنین بحثی را به یاد ندارم؛ چون عضو هیات‌دیران نبودم. هیات‌دیران آن زمان را در اسناد کانون می‌توانید پیدا کنید. آقای دروبشیان بود که قوت شدند و بقیه آقایان.

منظورم چیزهایی مثل ضدآمریکایی یا ضدسرمایه‌داری بودن است.

آن هم جزء عدالت قرار می‌گیرد.

چرا از کانون خارج شدید؟

من دلایل شخصی داشتم.

چرا کانون به رونق گذشته نیست؟

من این را نمی‌دانم. ترجیح می‌دهم در این مورد نظری ندهم.

قدیس‌پروری و برخوردهای اینچنینی، برای مثلا شاملو را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این تنها به کانون مربوط نمی‌شود. این کل جامعه است. آن را در کل جامعه می‌بینید. آن تعداد جمعیتی که در تشییع‌جنازه شرکت کردند، جوانانی که هنوز سر خاک این افراد می‌روند و شعرهای آنها را می‌خوانند، ربطی به کانون ندارند. کانون به‌عنوان شاعر از این فرد تجلیل می‌کند. بقیه مواردِ اتفاقاتی که در سطح جامعه رخ می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

گزارشی کوتاه از رویدادهایی که در سال ۹۹ برگزار نشد

کمک ۳۰ میلیاردی کرونا به وزارت ارشاد

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

همیشه در برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی یا جشنواره‌ها، خبرنگاران دنبال این هستند هزینه‌های برگزاری را بدانند و ببینند چقدر برای برگزاری آن نمایشگاه یا جشنواره، بودجه صرف شده است. مسئولان فرهنگی هم سعی می‌کنند هزینه‌ها و برآورد نمایشگاه یا جشنواره‌های مختلف را خودشان اعلام کنند، اما همچنین در سال ۹۹ متفاوت است. کرونا زندگی‌ها را تغییر داده و باعث شده است خیلی از نمایشگاه‌ها برگزار نشود. به‌بهانه همین برگزار نشدن‌ها سراغ یک‌سری از نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها رفتیم تا بدانیم با توجه به هزینه‌های جاری این جشنواره‌ها و برگزار نشدن‌شان در سال ۹۹، چقدر بودجه در دست دولتی‌ها باقی مانده است و با این پول‌ها چه کارهایی می‌توان در حوزه‌های مختلف فرهنگ انجام داد.

نمایشگاه کتاب و پولی که باید برای ناشران هزینه شود

ناشران همیشه برای برگزاری نمایشگاه منتظرند؛ برنامه‌ریزی می‌کنند و همه اهداف‌شان را برای اردیبهشت‌ماه مشخص می‌کنند تا کتاب‌هایشان را برای مخاطبان‌شان آماده کنند. اما امسال این اتفاق نیفتاد و با آمدن کرونا همه‌چیز به‌هم ریخت و دیگر نمایشگاه کتاب برگزار نشد. سال گذشته هزینه‌های برگزاری نمایشگاه کتاب، بعد از خاتمه اعلام شد. قبل از برگزاری، هزینه سی‌ودومین نمایشگاه کتاب تهران ۲۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان برآورد و پیشنهاد شده بود با دستور وزیر ارشاد برای صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها و تاکید معاون امور فرهنگی در این خصوص، با تدابیر اندیشیده‌شده در شورای سیاستگذاری و کمیسیون معاملات، هزینه‌های برگزاری سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به رقم ۱۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برسد که نسبت به هزینه‌های سال ۹۷ که مبلغ نهایی آن درمجموع با لحاظ هزینه‌های بازرگانی، تبلیغات و بن اهدایی ۱۷ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان اعلام شده بود، کمتر باشد. از طرف دیگر براساس این گزارش، مجموع درآمدهای حاصل از برگزاری سی‌ودومین نمایشگاه کتاب تهران ۹ میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومان بود، مابقی هزینه‌های نمایشگاه از محل اعتبار اختصاص‌یافته از طرف دولت برای برگزاری این رویداد تامین شد. همچنین یارانه اختصاص‌یافته به دانشجویان و طلاب، استادان دانشگاه و سازمان‌ها و موسسات در قالب بن کتاب در سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به این شرح بود؛ ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برای دانشجویان و طلاب، ۶۰۰ میلیون تومان برای استادان و اعضای هیات‌علمی، ۲۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برای اهالی قلم و ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برای سازمان‌ها و موسسات.

۲۵ میلیارد تومان پول کتاب چه شد؟

همه این مبالغ را که کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم امسال با توجه به افزایش هزینه‌هایی که وجود داشت مطمئنا هزینه‌های برگزاری بیشتر از سال گذشته می‌شد. اما کرونا نگذاشت که نمایشگاه برگزار شود و همین مسأله باعث شد ناشران درخواستی از ارشاد داشته باشند و بخواهند هزینه‌هایی که قرار بود در نمایشگاه کتاب برگزار شود به‌جیبش به‌عنوان تسهیلات به ناشران داده شود. محمد حق‌بین، عضو هیات‌مدیره انجمن ناشران کتاب کودک ونوجوان درباره برگزار نشدن نمایشگاه کتاب گفته است: «صلاح نیست نمایشگاه کتاب در سال جاری (۹۹) برگزار شود، بهتر است به راهکارهای جایگزین برای نمایشگاه کتاب بیندیشیم. پیش از شروع و شیوع کرونا شاهد بودیم که صنعت نشر شرایط خوبی نداشت، پس حالا باید دقت بیشتری از سوی مسئولان صورت گیرد تا با فاجعه در صنعت نشر مواجه نشویم. در شرایط کنونی خانواده صنعت نشر یعنی صنعت چاپ، اهل قلم، مترجمان، ناشران، پدیدآورندگان، مراکز پخش و... در شرایط غیرعادی هستند و بهتر است با توجه به جمع‌بندی که از بودجه نمایشگاه کتاب و هزینه‌های مالی به دولت مرتبط‌شکل‌گیری سال‌های گذشته پرداخت می‌کرد، فکر دیگری کرد. وی با بیان اینکه یارانه به دانشجویان، طلاب، اساتید، اهالی قلم و مراکز درکنار سایر هزینه‌های نمایشگاه کتاب در نمایشگاه سال ۹۸ مجموعا مبلغی حدود ۳۵ میلیارد تومان می‌شود، توضیح داد: «این پول هرسال در اردیبهشت‌ماه هزینه می‌شد، یعنی این وجه موجود بود و حداکثر تا پایان تیرماه موارد مربوط به هزینه آن انجام می‌شد، ولی حالا با برگزار نشدن نمایشگاه کتاب این رقم می‌تواند گره‌گشا باشد. حتی می‌توان راهکارهایی را برای اجرای عدالت در ارائه این مبلغ اندیشید. باید بدون تعبیض، ناشرانی را که برای نمایشگاه سی‌وسوم کتاب مهیا و چاپ کرده بودند (چاپ اول یا تجدید چاپی یا مربوط به سال گذشته) از طریق آمار احصا کرد و حتی کتاب شرکت‌کنندگانی را که ثبت‌نام کرده بودند، بررسی کرد و با توجه به مدارکی که در سیستم پوز بانکی آنها از سال گذشته موجود بوده، هزینه‌هایشان را برآورد کرد تا حدود کتاب از آنها انجام گیرد و مسکّن فوری برای ناشران باشد.»

در کنار نمایشگاه کتاب، نمایشگاه‌های کتاب استانی را هم هر ماه داشتیم که در استان‌های مختلف توسط موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی برگزار می‌شد. نمایشگاهی که در سال ۹۸، تا پایان دی‌ماه هزینه برگزاری آن ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان شده بود.

نمایشگاه قرآن و خطر تعطیلی موسسات قرآنی

در دولت دهم و بعد هم دولت یازدهم یکی از نمایشگاه‌هایی که هیچ‌وقت برای دولت جدی نبود، نمایشگاه قرآن بود. نمایشگاهی که درطول ماه مبارک رمضان و به‌مدت ۳۰ روز برگزار می‌شد و استقبال از آن کم نبود. اما در دولت‌های دهم و یازدهم برگزاری این نمایشگاه اولویت نبود و بالاخره در سال ۹۸ تنها ۱۰ روز در مصلای تهران برگزار شد. طبیعتا برای چنین برگزاری وزارت ارشاد هم بودجه زیادی در نظر نداشته است. کمالینکه به گفته سیدحمید حسینی، قائم‌مقام نمایشگاه قرآن بودجه برگزاری این نمایشگاه در سال ۹۸ با رقم کمتری به نسبت سال قبل از آن یعنی ۹۷ برگزار شد. حسینی می‌گوید: «نمایشگاه در سال ۹۸ اقتصادی‌تر و کم‌هزینه‌تر از سال‌ها قبل برگزار شد. با توجه به اینکه کشور در شرایط تحریم و تورم قرار دارد و از سوی دیگر مسأله سیل در چند استان و بحران در این زمینه وجود داشت، توقع این است که برنامه‌های حاکمیتی محدودتر شود، حتی برخی اعتقاد داشتند شاید نتوان نمایشگاه را برگزار کرد. اما تلاش شد با برخی اقدامات ازجمله کوچک کردن ساختار که از ۳۳ کمیته به ۱۴ کمیته رسید و نیز کاهش ایام نمایشگاه و فضای مکانی، نمایشگاه کیفی‌تر و کوچک‌تر شود، لذا با تمام این اقدامات، هزینه‌ها به‌شدت کاهش پیدا کرده است.» رحیم قربانی، مدیرعامل اتحادیه موسسات و تشکل‌های قرآن و عترت همزمان با ماه رمضان امسال که اعلام شد نمایشگاه قرآن برگزار نمی‌شود در نامه‌ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تب